

کارمن بهار لادن است
انالی ابوری

سرشناسه: اکبری، آنالی، ۱۳۶۶ -

عنوان و نام پدیدآور: کار من جادو کردن است / دست‌نوشته‌های آنالی اکبری

مشخصات نشر: تهران: چارچوب، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریا ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۲۵-۱-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: کمینه‌گرایی (ادبیات)

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۳۴ ۱۳۹۳ ۲ کی ۱۷۴ کی /

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

بارد تایمناس: ملی: ۳۴۹۰۳۸۷

چاپ

انتشارات چارچوب

کار من جادو کردن است

نویسنده: آنالی اکبری

طرح جلد: بزرگمهر حسین‌پور

صفحه‌آرایی: ایمان شاه‌سمندی

نشر چارچوب

چاپ اول ۱۳۹۳، ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۲۵-۱-۶

ISBN: 978-600-94325-1-6

تلفن: ۸۸۴۰۰۴۶۹

Email: f_kshahbazi@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است

۹	خانه شکلاتی ام را بخور
۱۳	پنجشنبه
۱۵	پله سیزدهم
۱۷	اتاق ۳۰۳
۲۱	عالیجناب شرخر
۲۳	دختر، پر!
۲۹	رازهای دلپره آور
۳۱	خاله در اروپا
۳۳	دختری که مثل شیر غریب
۳۵	معشوقه هیچکس
۳۷	آدم فضایی های داغون می آیند!
۳۹	آن ها همه جا هستند
۴۱	اردوی یک روزه
۴۳	اسپایدرمن کف پیاده رو
۴۵	اسکلت پارتی
۴۷	انگار هیچ نوش آفرینی نیست
۴۹	بخاری بازنده
۵۳	فرودگاه های آدم ربا
۵۵	بلیت یک طرفه
۵۷	بن بست
۵۹	بنفشه های آفریقای

- ۶۱ به خاطر ۵۰۰ تومان
- ۶۳ به سمت مکزیک
- ۶۵ پرتقال
- ۶۷ جاده سگدرو
- ۶۹ جزیره‌های پیدا شده
- ۷۱ چه کسی خلافت را گرفت
- ۷۳ چیزهای خوب
- ۷۵ چیک چیک آب می‌شوم
- ۷۷ دخترک شال فروش
- ۷۹ من دی
- ۸۱ دلیل رایگان گنج
- ۸۳ دیو گریمه
- ۸۵ بوفک نیم
- ۸۷ بان
- ۸۹ سنان اخننجی
- ۹۱ سایه‌ها
- ۹۵ سوپر استار کابوی
- ۹۷ سیب قاتل
- ۹۹ شاهزاده سرزمین
- ۱۰۱ شبنم، شادی، ترانه
- ۱۰۳ شنبه‌ای که هیچ وقت نمی‌شد
- ۱۰۵ علی بابا را اعصابی نکن
- ۱۰۷ قائم را بگیر
- ۱۰۹ فامیلی او را هیچ کس نمی‌داند
- ۱۱۱ فتح قله، کار ما نیست
- ۱۱۳ قدیمی‌ها
- ۱۱۵ قشنگ تنگ لعنتی
- ۱۱۷ کار من جادو کردن است
- ۱۱۹ کوچه هجدهم
- ۱۲۱ گرگ کش
- ۱۲۳ ما بزرگ شدیم، آن‌ها پیر
- ۱۲۵ ما محتاجیم، پس هستیم
- ۱۲۷ ما مرغ همسایه‌ایم
- ۱۲۹ مادام مرسیه
- ۱۳۱ ماهی‌ها فراموش می‌کنند
- ۱۳۳ سرمای من از تو، زردی تو از من
- ۱۳۵ مثلث خفنی
- ۱۳۷ مفت خورها
- ۱۳۹ مهمانی روزهای جمعه
- ۱۴۱ نفرین ژاپنی‌ها
- ۱۴۳ نینجا در آشپزخانه
- ۱۴۵ خاطره‌ها پت چند؟
- ۱۴۷ من آدمکش هستم
- ۱۵۱ می‌خواهم زنده بمانم

مقدمه

تازگی‌ها این که آدم خودش را کمی به دیوانگی و ملذذی جزئی مبتلا شده است. ولی آنالی اکبری ادای این کارها را در نمی آورد. خود جنس است. بخت آدم عطرناک یا آزاردهنده‌ای نیست اما از عقل مرسوم و رایج بی بهره است و در جهان ملک و شنگ و شوخ و شنگ ذهن خودش زندگی می کند.

وقتی نگاهش می کنید ظاهرش مثل بقیه آدم‌هاست ولی اگر با او حرف بزنید می بینید که دور و برش را رنگی تر و با نورها و سایه روشن‌هایی متفاوت می بیند، بوها و مزه‌ها بیشتر از بقیه حس می کند و شکل‌ها و شمایل‌ها را جور دیگری می بیند. بعضی چیزها ریزی که با چشم غیر مسلح دیده نمی شوند را می بیند و بعضی چیزهای گنده را که از چهار فرسخی دیده می شوند نمی بیند. به حیوان‌های عجیب و غریب و پنگوئن‌ها و دلفین‌ها و پری‌های دریایی و مانسترها و هیولاها و فیلم‌های تیم برتن علاقه دارد و خودش هم بی شباهت به بعضی شخصیت‌های فیلم‌های تیم برتن نیست. آنالی از آن آدم‌هایی است که می شد مطمئن بود هرگز از دواج نخواهد کرد که کرد و مطمئن تر که هیچ وقت بچه دار نخواهد شد که شد و اگر بچه دار شد مادر عاقلی نخواهد بود که نیست و حتما مادر خوبی خواهد بود که هست. همیشه دلم می خواست بدانم اگر آنالی اکبری

روزی بچه‌ای داشته باشد اسم بچه‌اش را چه می‌گذارد... اسم دختر آنالی «رنگین کمان» است. «رنگین کمان» با کوشش و تلاش او برای اولین بار در ایران به عنوان اسم انتخاب شد و خزانه اسم اداره ثبت احوال کشور یک اسم جدید پیدا کرد.

این‌ها را گفتیم تا بدانید در این کتاب با «یادداشت‌های یک دیوانه» طرفید ولی این یادداشت‌ها از جنس «یادداشت‌های یک دیوانه» گوگول نیست... اینها یادداشت‌های دیوانه‌ای است که شیرین و روان می‌نویسد و نگاه خاص، خالص، ساده و متفاوتی به اتفاقات، آدم‌ها، روابط، اشیا و حس‌های دور و بر دارد. آدمی که انگار چشم‌هایش را بسته است و جور دیگری می‌بیند و خوبی‌اش این است که ادای جور دیگر دیدن را در می‌آورد، واقعاً جور دیگری می‌بیند.

آنالی حال‌هاست که ستون روزانه ثابتی در روزنامه هفت صبح دارد. اسم ستونش «ستون فقر» است که بیشتر داستان‌های این کتاب قبلاً در آنجا کار شده است. ستون فقر، «ای» یوانه، «داران زیادی دارد. دیوانه‌ای که مادر رنگین کمان است...

سروش صحت